

## تبیین و بررسی زنانه نویسی در رمان سووشون سیمین دانشور بر اساس سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز

سعیده خجسته‌پور<sup>۱</sup>  
محمدعلی گذشتی<sup>۲</sup>  
عبدالحسین فرزاد<sup>۳</sup>

### چکیده

«سبک‌شناسی فمینیستی» از جمله رویکردهای فرهنگی-اجتماعی دانش سبک‌شناسی است که «سارا میلز» در این زمینه الگویی مطرح می‌کند و این شیوه را بهترین روش برای بررسی و تحلیل موضوع فمینیسم و اثربخشی آن در متون ادبی با استفاده از ابعاد و جنبه‌های زبان‌شناختی آنها می‌داند. در نوشتار حاضر با بهره‌گیری از این الگو، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که مشخصه‌های زنانه‌نویسی چیست و در رمان مورد بحث چگونه نمود پیدا می‌کند. میلز معتقد است نویسندگان زن، مولفه‌های گوناگون زبانی را در ساختار و محتوای آثارشان با تأثیرپذیری از ویژگی‌های زنانه، عواطف و دیدگاه‌های جنسیتی خود استفاده می‌کنند و از این‌رو در تحلیل آثارشان باید به سه سطح تحلیل بر پایه واژگان، جمله‌ها و گفتمان توجه داشت. بنابراین با این نگاه و با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی سارا میلز و نظریات صاحب‌نظران این حوزه، رمان «سووشون» سیمین دانشور انتخاب و بررسی شد. این پژوهش در حوزه سبک‌شناسی عملی و با روش توصیفی-کتابخانه‌ای و تحلیل‌های مبتنی بر آن بر پایه مولفه‌های الگوی سارا میلز و با هدف یافتن مشخصه‌های زنانه‌نویسی در اثر منتخب انجام گرفت. یافته‌های پژوهش با نمود ویژگی‌های زنانه‌نویسی در رمان مذکور عبارتند از: کاربرد متعدد تعابیر زنانه در فارسی، واژه‌های متعلق به حوزه زنان، کاربرد رنگ و واژه‌ها، تعدد شخصیت‌های زن؛ در سطح جملات: کاربرد فراوان جملات ساده خبری، توصیفی، کوتاه، احساسی، جزئی‌نگری. کاربرد نشانه‌های فرازبانی سه نقطه و خط تیره، وجه عاطفی کم بسامد، جملات پرسشی به شکل حدیث نفس. در سطح گفتمانی: زاویه‌ی دید سوم شخص (دانای کل) بیرونی، شخصیت اصلی: یوسف و زری، متن روایی، راوی نویسنده، لحن مودبانه و صمیمی، درون‌مایه‌ای با اندیشه‌های فمینیستی. زمان و مکان وقوع داستان دوره‌ی پهلوی اول، شیراز و روستاهایش.

**کلید واژه‌ها:** زنانه‌نویسی، سبک‌شناسی فمینیستی، سارا میلز، رمان، سووشون، سیمین دانشور.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Khojastepour\_sa@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

magazashti@yahoo.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

Abdohosein.Farzad@gmail.com

#### ۱- مقدمه

سیمین دانشور از نویسندگان پیشگام و شاخص زن در ادبیات داستانی معاصر ایران است که از او به عنوان مادر داستان‌نویسی معاصر یاد می‌کنند. اولین رمان او با نام «سووشون» نیز یکی از مطرح‌ترین رمان‌های معاصر است که درباره‌ی آن مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی با موضوعات مختلف نوشته شده است. در این نوشتار، نگاهی متفاوت به رمان «سووشون» داریم و آن را از منظر زنانه‌نویسی تحلیل می‌کنیم و به بررسی سه سطح واژگان، جملات و گفتمان رمان بر اساس سبک‌شناسی فمینیستی و الگوی سارا میلز سبک‌شناس و استاد دانشگاه شفیلد هالام انگلیس و صاحب‌نظران این حوزه می‌پردازیم. لازم به ذکر است که طبق مدل میلز برای بررسی متون باید به سه سطح واژگان، جملات و گفتمان متن پرداخت تا مشخصه‌های زنانه‌نویسی یافت شود.

#### ۲- پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی رمان سووشون مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده است و هر یک به موضوعات گوناگون از مناظر مختلف به آن پرداخته‌اند، اما در موضوع زنانه‌نویسی و سبک‌شناسی رمان مذکور چند مقاله یافت شد از جمله مقاله: «بررسی تفاوت‌های سبک نحوی زنانه و مردانه در اثر سووشون دانشور و سه تار آل احمد» نوشته شیمای ابراهیمی، در مجله رخسار زبان، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۰۷، با روش نمونه‌برداری و تصادفی هدفمند که فقط ۱۰ صفحه از آثار انتخاب و تفاوت‌های نحوی آنها استخراج و تحلیل شده بود و چنین نتیجه گرفته که کاربرد جملات ساده و کوتاه، مختص نویسنده زن است و نوشتاری که بیشتر مقید به دستور و منظم‌تر نوشته شده است، مختص نویسنده مرد است. مقاله دیگر با عنوان «بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان سووشون بر پایه نظریه لیکاف» نوشته شیرزاد طایفی و همکاران که در مجله نامه نقد، مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، سال ۱۳۹۴، دوره سوم چاپ شده است و به زبان‌شناسی جنسیت بر پایه نظریه لیکاف در این رمان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد زبان شخصیت تحت تاثیر جنسیت قرار دارد. بنابراین مقاله‌های فوق هر چند مرتبط با موضوع زنان و نوشتار آنان است، اما مقاله پیش‌رو نگاهی جدید و متفاوت به آن دارد و رمان را از منظر زنانه‌نویسی با توجه به الگوی سارا میلز بررسی می‌کند که نگاهی نو و متفاوت است.

### ۳- روش تحقیق

این پژوهش در حوزه سبک‌شناسی عملی و با روش توصیفی-کتابخانه‌ای و تحلیل‌های مبتنی بر آن بر پایه مولفه‌های الگوی سارا میلز و صاحب نظران این حوزه انجام گرفت.

### ۴- چهارچوب نظری

#### ۴-۱- تعاریفی از سبک و سبک‌شناسی

ملک‌الشعراى بهار در معنی واژه سبک نوشته است: «واژه‌ی سبک در لغت بمعنی گذاختن و ریختن زر و نقره است و سبیکه پاره‌نقره گذاخته را گویند، ولی ادبای اخیر سبک را مجازاً بمعنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آنرا در برابر «ستیل Style» اروپائیان نهاده‌اند.» (بهار، ۱۳۴۹، مقدمه مصنف؛ ج) صاحب‌نظران تاکنون درباره‌ی سبک، تعاریف متعددی در منابع گوناگون ارائه داده‌اند، از جمله در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده: «سبک بمعنی عام خود عبارتست از تحقیق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص می‌سازد.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸؛ ذیل واژه‌ی سبک) بنابراین «سبک که عبارت است از شیوه‌ی خاص در نزد هر گوینده، تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او.» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱۷۵) همچنین سبک را شیوه‌ی بیان در گفتار و نوشتار دانسته‌اند. سبک در واقع سامان حرکت تفکر آدمی درباره‌ی چیزها و پدیده‌هاست؛ ... (نک: عبادیان، ۱۳۶۸؛ ۹) پس در مجموع «سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار کسی است. به عبارت دیگر این وحدت منبث از تکرار عوامل یا مختصاتی است که در آثار کسی هست و توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۷۳؛ ۱۳-۱۴) و به عقیده‌ی غلامرضایی «سبک‌شناسی، علم یا نظامی است که از سبک بحث می‌کند؛» (غلامرضایی، ۱۳۸۷، ۱۵)

#### ۴-۲- سبک‌شناسی فمینیستی

سارا میلز<sup>۱</sup> سبک‌شناس و پژوهشگر حوزه سبک‌شناسی فمینیستی، در تعریف سبک‌شناسی فمینیستی که از جمله رویکردهای فرهنگی-اجتماعی است، در مقدمه کتاب خود چنین گفته است که این اصطلاح «فشرده‌ترین تعبیر برای بررسی و تحلیل موضوع فمینیسم با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی و تجزیه و تحلیل زبانی در متون دانسته است. طبق نظر خانم میلز،

1. Sara Mills

دغدغه‌ی سبک‌شناسی فمینیستی به مسائلی مانند توصیف تبعیض جنسی، کلیشه‌های سنتی برای نقش جنسی، بحث از کاهش ارزش فرد بر مبنای جنسیت‌اش، تبعیض علیه زنان و فروداشت آنان در متون محدود نمی‌شود؛ بلکه این موضوعات تا آنجا گسترش یافته که عناصر و ساختارهای ادبی مثل استعاره، تصویر، زاویه‌ی دید، با فرایندهای فعلی لازم و متعدی را در پیوند با مسائل جنسیت بررسی می‌کند. به طور کلی سبک‌شناسی فمینیستی به شیوه‌ای از تحلیل گفته می‌شود که در پی آن است تا روشی برای توصیف و تبیین سرشت نوشتار زنان و عمل نگارش زنانه بیابد.» (فتوحی، ۱۳۹۰؛ ۱۸۶-۱۸۵) همچنین او معتقد است برای هر متن ممکن است یک تحلیل کامل از بازنمایی‌های مربوط به روابط جنسیتی صورت پذیرد که آن را به صورت خلاصه موضوع و مدل نظری با طرح سوال‌هایی ارائه داده است. (Mills, 2005: ۱۵۸-۱۶۱)

#### ۴-۳- زنانه‌نویسی و ویژگی‌های آن

زنانه‌نویسی سبکی است که می‌کوشد محتوایی زنانه و متفاوت از مردان تولید و ادبیات را جنسیتی کند که می‌توان گفت: «زنانه‌نویسی یعنی؛ نوشتن از مسائل، مشکلات و حالات و روحیات خاص زنان به منظور شناساندن شعور و حساسیت‌های جنس زن. مسائل خاص زنان، عبارت است از وضعیت‌ها و تجربه‌هایی که از لحاظ روحی و فیزیولوژیک، تنها در زنان است و مردان فاقد آن مسائل‌اند و به لحاظ فقدان تجربه‌ی زیستی در نگارش آن به پای زنان نمی‌رسند؛ مثلاً نگارش تجربه‌ی عواطف مادری، آغاز حاملگی، احساس مادر شدن و سقط جنین در شمار شخصی‌ترین رازهای زنان است. تنها زنان از عهده‌ی نگارش لذت بارداری و کشیدن بار سنگین جنین و گذراندن اوقات با جنین برمی‌آیند... . چنین مضامینی صرفاً به ادبیات زنانه تعلق دارد و داستانی را که حاوی چنین تجربه‌هایی باشد در شمار زنانه‌ترین داستان‌ها می‌آورند. غلبه‌ی این موضوعات در نوشتار، سبک را زنانه می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۰؛ ۴۰۲) بنابراین می‌توان گفت، درون‌مایه‌ی اصلی آثار داستانی زنان داستان‌نویس امروز ایران، مسائلی مربوط به مشکلات و دغدغه‌های زنان از جمله: مردسالاری و حقوق زنان، بارداری و زایمان، زندگی‌های پر از اندوه و رنج زنان ایرانی، رنج‌های زنان در جنگ عراق علیه ایران، داستان‌های عشقی، داستان‌های زنان درباره‌ی مردان و یا برای مردان است.

#### ۴-۴- تعریف رمان

تاکنون از دیدگاه نویسندگان و پژوهشگران ادبیات داستانی تعاریف گوناگونی راجع به

اصطلاح رمان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «رمان اثری است که دارای حجمی نسبتاً طولانی است و به همین دلیل کلیه‌ی عناصر داستان در این نوع پیچیده‌تر و متنوع‌تراند. وقایع بیشتر گره خورده‌تراند و در کنار حادثه‌ی اصلی، حوادث فرعی متعددی مطرح می‌شود. رمان، مفصل‌تر و قطورتر از داستان کوتاه است. در رمان معمولاً تعداد شخصیت‌ها بیشتر از داستان کوتاه است و نویسنده به خاطر زمان بیشتر می‌تواند به پرداخت شخصیت‌ها پردازد. (عبداللهیان، ۱۳۷۷؛ ۶۵) همچنین «تعداد کلمات رمان از سی الی چهل هزار تا کمتر نیست و حداکثری برای طول و اندازه‌ی واقعی آن وجود ندارد.» (داد، ۱۳۷۸؛ ۲۳۹) پس «داستان یا نول Novel اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال fiction باشد و اگر طولانی باشد به آن رمان می‌گویند.» (شمیسا، ۱۳۸۰؛ ۱۵۳) یا «رمان، داستانی است به نثر با وسعتی معین، بنابراین هر اثر داستانی که بالغ بر پنجاه هزار کلمه باشد رمان است.» (یونسی، ۱۳۵۱؛ ۱۳) همچنین «در فرهنگ اصطلاحات ادبی هاری شارمان چنین تعریف شده: روایت منثور داستانی طولانی که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصور کند. اثری داستانی که کمتر از ۳۰ تا ۴۰ هزار کلمه داشته باشد. غالباً به عنوان قصه، داستان کوتاه، داستان بلند یا ناولت محسوب می‌شود، اما رمان حداکثری برای طول و اندازه واقعی خود ندارد. هر رمان شرح و نقلی است از زندگی، هر رمان متضمن کشمکش، شخصیت‌ها، عمل، صحنه، پیرنگ و درونمایه است. (میرصادقی، ۱۳۷۶؛ ۴۱۳-۴۱۱) در مقدمه‌ی مترجم کتاب «هنر رمان» از میلان کوندرا<sup>۱</sup> نویسنده چکسلواکی نیز آمده: «رمان می‌کوشد تا، در هر مرحله از تاریخ تحول خود، جزئی ناشناخته از هستی را کشف کند و انسان را در برابر «فراموشی هستی» مصون دارد.» (کوندرا، ۱۳۶۸؛ ۱۶)

#### ۴-۵- پیشگامان رمان در ایران

در تاریخ ادبیات داستانی ایران «رمان و رمان‌نویسی به سبک اروپایی و به معنای امروزی آن تا قبل از ترجمه داستان‌های غربی در ایران سابقه نداشت. نخستین ترجمه‌ها که بر داستان‌نویسی فارسی تأثیر گذاشت، رمان‌های حادثه‌ای و سرگرم‌کننده بود. نخستین این رمان‌ها، رمان مقاله-گونه‌ای به نام «کتاب احمد» اثر عبدالرحیم طالبوف بود و سپس کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» اثر زین‌العابدین مراغه‌ای. اما این رمان‌ها به علت فقر معنایی و اشکالات ساختاری

---

1. Milan Kundera

نتوانستند پایه گذار ادبیات داستانی فارسی شوند و رمان‌هایی که به تقلید از آنها به وجود آمد، رمان‌هایی احساساتی، عشقی، تاریخی و ضعیف بودند و برخلاف کشورهای دیگر، پایه‌ی ادبیات داستانی فارسی را نویسندگان داستان‌های کوتاه گذاشتند و می‌توان گفت با داستان‌های کوتاه هدایت، داستان‌نویسی به راه درست اصیل خود می‌افتد و پیشرفت می‌کند. داستان‌های کوتاه هدایت نسبت به زمان انتشار آنها از جنبه‌ی فنی و ساختاری مناسبی برخوردار بود و بر داستان‌نویسان نسل‌های بعدی خود، مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر گذاشت و ادبیات داستانی فارسی را به معیارهای ادبیات داستانی جهان نزدیک کرد. هر چند قبل از هدایت، جمال‌زاده با انتشار داستان کوتاه «یکی بود یکی نبود» ما را با نوعی از داستان‌های کوتاه به شیوه غربی آشنا می‌کند، اما به علت خصلت حادثه‌پردازانه و لطیفه‌وار بیشتر داستان‌هایش، داستان‌های کوتاه او پیروان نام‌آوری نیافت و تحول‌چندانی در ادبیات داستانی ما به وجود نیاورد. (ر.ک. میرصادقی، ۱۳۷۶، ۲۴-۱۵) بنابراین طلیعه‌های رمان فارسی به نخستین سالهای ۱۲۵۰ خورشیدی باز می‌گردد. «ستارگان فریب خورده» اثر میرزا جعفر قراچه داغی (۱۲۵۳ ه.ش)، «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» اثر زین‌الدین مراغه‌ای (۱۲۷۴ ه.ش)، «مسالک المحسنین» اثر طالبوف (۱۲۸۴ ه.ش) جزء اولین رمان‌های فارسی و نویسندگان آنها جزء اولین رمان‌نویسان ایرانی هستند. (ر.ک. میرصادقی، ۱۳۸۲) همچنین «رمان‌های اجتماعی سال‌های ۱۳۰۰ شمسی مثل «تهران مخوف» مرتضی مشفق کاظمی و «شهرناز» یحیی دولت‌آبادی» (میرعابدینی، ۱۳۹۲، ۳۵۱) نمونه‌هایی از رمان‌های آغازین ایران هستند. در این راستا در بین داستان‌نویسان، زنان پیشگامی از جمله: «ایران دخت تیمورتاش با داستان «دختر تیره‌بخت و جوان بلهوس» (۱۳۰۹)، فخرعادل ارغون (خلعتبری) با داستان «ازدواج اجباری» (۱۳۱۰)، زهرا کیا (خانلری) با داستان‌های «پروین و پرویز» (۱۳۱۲) و رهبر دوشیزگان (۱۳۱۵) قدم به عرصه داستان‌نویسی گذاشتند. (نک: میرعابدینی؛ ۱۳۹۲) و در ادامه این روند «سیمین دانشور» که دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی و تحصیل کرده فرنگ و تأثیر گرفته از داستان‌نویسی غرب بود پا به عرصه داستان‌نویسی گذاشت و پس از نوشتن داستان‌های «آتش خاموش» در سال ۱۳۲۷ و «شهری چون بهشت» در سال ۱۳۴۰، اولین رمان خود با عنوان «سووشون» را در سال ۱۳۴۸ چاپ و منتشر کرد که با استقبال ایرانیان و جهانیان پس از ترجمه آن به زبان‌های گوناگون قرار گرفت. در این راستا برای مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، کتاب «جویبار لحظه‌ها»

سیمین و بررسی زنانه نویسی در مان سووشون سیمین دانشور... ۱۱۱۱ ۴۱

از محمدجعفر یاحقی، درباره‌ی آغاز رمان‌نویسی در ایران و نخستین داستان‌نویسان در ایران از پیشگامی محمدعلی جمال‌زاده تا نویسندگان نسل بعد آن، جریان‌های ادبیات معاصر فارسی (نظم و نثر) و ادبیات زنان در ایران معاصر، منبع پربراری است. (نک: یاحقی، ۱۳۷۸)

## ۵- یافته‌های پژوهش

### ۵-۱- درباره‌ی نویسنده

سیمین دانشور ۸ اردیبهشت سال ۱۳۰۰ خورشیدی در شیراز زاده شد. او فرزند محمدعلی دانشور (پزشک) و قمرالسلطنه حکمت (مدیر هنرستان دخترانه و نقاش) بود. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدرسه انگلیسی مهرآیین انجام داد و در امتحان نهایی دیپلم شاگرد اول کل کشور شد. سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت. دانشور، پس از مرگ پدرش در ۱۳۲۰ خورشیدی، آغاز به مقاله‌نویسی برای رادیو تهران و روزنامه ایران کرد. او از نام مستعار «شیرازی بی‌نام» استفاده می‌کرد. در ۱۳۲۷ مجموعه داستان کوتاه «آتش خاموش» را منتشر کرد. او در همین سال، با جلال آل‌احمد، نویسنده و روشنفکر ایرانی آشنا شد و دو سال بعد با او ازدواج کرد. دانشور در ۱۳۲۸ با مدرک دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. رساله‌ی وی با عنوان «علم‌الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم» و با راهنمایی «دکتر فاطمه سیاح» و استاد «بدیع‌الزمان فروزانفر» بود. دانشور در شهریور ۱۳۳۱ با دریافت بورس تحصیلی از مؤسسه فولبرایت به دانشگاه استنفورد آمریکا رفت و در آنجا یک سال در رشته‌ی زیبایی‌شناسی تحصیل کرد. پس از برگشتن به ایران، در هنرستان هنرهای زیبا به تدریس پرداخت، تا اینکه در سال ۱۳۳۸ استاد دانشگاه تهران در رشته‌ی باستان‌شناسی و تاریخ هنر شد. اندکی پیش از مرگ جلال آل‌احمد در ۱۳۴۸، رمان سووشون را منتشر کرد. او در ۱۳۵۸ از دانشگاه تهران بازنشسته شد. وی نخستین زن ایرانی است که به صورتی حرفه‌ای در زبان فارسی داستان نوشت. سرانجام، پس از یک دوره بیماری آنفلوآنزا، عصر روز ۱۸ اسفند ۱۳۹۰ برابر با ۸ مارس ۲۰۱۲ در ۹۰ سالگی در خانه‌اش در تهران درگذشت.

- آثار سیمین دانشور عبارتند از:

- مجموعه داستان‌ها: آتش خاموش (۱۳۲۷)؛ شهری چون بهشت (۱۳۴۰)؛ به کی سلام

کنم؟ (۱۳۵۹)؛ از پرنده‌های مهاجر بیرس (۱۳۷۶).

- **رمان‌ها:** سووشون (۱۳۴۸)؛ جزیره سرگردانی (۱۳۷۲)؛ ساربان سرگردان (۱۳۸۰)؛ کوه

سرگردان

- **ترجمه‌ها:** سرباز شکلاتی، نوشته برنارد شاو (۱۳۲۸)؛ دشمنان، نوشته آنتوان چخوف

(۱۳۲۸)؛ بنال وطن، نوشته آلن پیتون (۱۳۵۱)؛ داغ ننگ، نوشته ناتانیل هاتورن؛ باغ آلبالو نوشته

آنتوان چخوف (۱۳۸۱)؛ ماه عسل آفتابی (مجموعه داستان)، نوشته ریونوسوکه آکوتاگاوا و...؛

کمدی انسانی، نوشته ویلیام سارویان.

- **آثار غیرداستانی:** غروب جلال (۱۳۶۰)؛ شاهکارهای فرش ایران؛ راهنمای صنایع ایران؛

ذن بودیسم؛ مبانی استتیک.

## ۵-۲- درباره‌ی رمان «سووشون» و نگاهی گذرا به آن

رمان «سووشون»، نخستین اثر «سیمین دانشور» که تیرماه ۱۳۴۸ توسط انتشارات خوارزمی در

۳۰۳ صفحه به چاپ رسید که شامل ۲۳ فصل است. این رمان از زوایه دید سوم شخص یا همان

دانای کل محدود از زاویه‌دید بیرونی روایت می‌شود. شخصیت اصلی آن نیز زنی به نام زری

است که در کنار همسرش یوسف (از خان‌های معروف شیرازی) متحول می‌شود. رخدادها و

اتفاقات این داستان در زمان جنگ جهانی دوم است که نیروهای انگلیسی و آمریکایی در

جنوب ایران مستقر بودند و حوادث این داستان تحت تاثیر وجود آنها در شهر و روستاهای

شیراز اتفاق افتاده است.

## - معرفی خانواده‌ی راوی یا شخصیت اصلی رمان

**یوسف:** شخصیت اصلی مرد داستان است. او فرزند یک مجتهد جامع الشرایط در شهر

شیراز است که برای ادامه تحصیل به فرنگ می‌رود. وی در جوانی با زنی به نام زری ازدواج

کرده که سه فرزند دارد. همچنین یکی از ملاکان و خان‌های معروف شیراز است که در

اجتماع، روحیه‌ی انقلابی و جدی دارد و حرف‌هایش را صریح و رک بیان می‌کند، اما در

جمع خانواده‌اش، همسر، پدر و برادری مهربان و مقتدر است. او انسانی بی‌باک و آزاده است

که سعی دارد این خصلت را به همسر و فرزندانش منتقل کند. سرانجام، یوسف در این داستان

کشته می‌شود و مرگ او تاثیر خود را بر زری می‌گذارد و از او زنی آزاده و شجاع می‌سازد.

**زری:** شخصیت اصلی زن رمان است که داستان حول محور زندگی او و همسرش یوسف

می‌چرخد. او فرزند میرزا علی‌اکبر است. پدرش معلم زبان انگلیسی بوده که در نوجوانی او



### تیمین و بررسی زنانه نویسی در رمان سووشون سین و آشور... ۴۳

فوت می‌کند. مادرش نیز زنی خانه‌دار بوده که در اثر سرطان پس از ازدواج زری فوت می‌کند. زری مسلط به زبان انگلیسی است و در حدود هفده سالگی با یوسف ازدواج می‌کند و صاحب یک پسر به نام خسرو و دو دختر دوقلو به نام‌های مرجان و مینا است و در هنگام مرگ یوسف نیز باردار است. او زنی مهربان، خانواده دوست و در عین حال اجتماعی است. هرچند که در روابطش ترسو است، ولی پس از کشته شدن یوسف بر ترسش غلبه می‌کند و به شجاعتی که تاثیر یافته از اعتقادات و رفتار همسرش است، می‌رسد.

**ابوالقاسم خان:** (خان کاکا) برادر بزرگ یوسف و خانم فاطمه است که همسرش در جوانی فوت کرده، که تنها یک پسر به نام هرمز دارد. او قصد دارد وکیل شهر شود، به همین دلیل با حاکم و بزرگان شهر رفت و آمد دارد و در نقطه مقابل یوسف قرار دارد. از ویژگی خاص او در این داستان یک تیک عصبی (قبل از صحبت کردن چشمهایش را بهم می‌زند). است که همیشه تکرار می‌شود و بسامد بالایی در جریان داستان دارد. سرانجام او به وکالت شهر می‌رسد.

**خانم فاطمه:** (قدس السلطنه) خواهر یوسف است که با خانواده یوسف در باغشان زندگی می‌کند. او در کودکی نزد پدرش که مجتهدی جامع الشرایط بوده، درس عربی و فارسی خوانده است و در نزد مردی به نام محمدحسین که هندی الاصل بوده، دروس هندسه و جغرافی آموخته است. او در جوانی با مردی تاجر پارچه ازدواج می‌کند و صاحب پسری می‌شود که در شش سالگی در اثر بیماری فوت می‌کند. شوهرش نیز در اثر حادثه‌ای از دنیا می‌رود. خانم فاطمه، پس از مرگ همسرش در روی زمینی که از پدرش به ارث برده کار و امرار معاش می‌کند. او بعدها به تریاک روی می‌آورد و در فکر این است که مانند مادرش به کربلا برود و مجاور آنجا شود، اما پس از کشته شدن یوسف دیگر منصرف می‌شود. وی نیز از زنان تاثیرگذار و اصلی بعد از زری در رمان است. شخصیتی موقر، مهربان و مذهبی دارد که با زری مانند دو دوست و خواهر هستند.

**پدر یوسف:** مجتهد جامع الشرایطی بوده که در نجف درس خوانده، پس از مدتی ترک مجلس تدریس می‌کند و خانه‌نشین می‌شود. او عاشق زنی رقاصه به نام سودابه هندی می‌شود که هیچ‌گاه با او ازدواج نمی‌کند، ولی پس از رفتن همسرش از خانه، او و برادرش

۴۴ // دو فصلنامه مطالعات تداومی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

محمدحسین به خانه او می آیند و با هم زندگی می کنند.

**پدر زری:** میرزا علی اکبر است که معلم زبان انگلیسی بوده است. او معلم یوسف نیز بوده است که در زمان نوجوانی زری در اثر بیماری فوت می کند.

**مادر یوسف:** فصیح الزمان، نام دارد که پس از عاشق شدن همسرش به کربلا مهاجرت می کند و مجاور می شود. سپس همان جا در خانه ی زنی به نام فخرالشریعه، کلفتی و امرار معاش می کرده، تا اینکه در اثر بیماری فوت می کند و به خاک سپرده می شود.  
**مادر زری:** زنی ساده است که به علت بیماری در بیمارستان فوت می کند.

#### - فرزندان یوسف و زری:

**خسرو:** پسر یوسف و زری و فرزند ارشد خانواده است. او اسبی به نام سحر دارد که بسیار به او علاقه مند است.

**مینا و مرجان:** دختران دو قلوی زری و یوسف هستند.

**هرمز:** پسر خان کاکا و دوست خسرو است که بیشتر اوقات با هم هستند.

#### - پیشکار، نوکر و کلفت خانواده ی یوسف:

**سید محمد:** پیشکار یوسف است.

**غلام:** نوکر خانه یوسف است.

**خدیجه:** کلفت خانه ی یوسف است.

**سحر (اسب):** سحر اسب خسرو پسر خانواده است که ماجراهایی در داستان درباره اش اتفاق می افتد.

#### - افراد تاثیرگذار بر شخصیت زن اصلی:

تاثیرگذارترین فرد بر زری، همسرش یوسف است.

در ادامه، طبق الگوی پیشنهادی سارا میلز و نظرهای صاحب نظران این حوزه، به سه سطح واژگان، جملات و گفتمان رمان سووشون با دید زنانه نویسی پرداخته می شود.

#### ۵-۳- بررسی سطح واژگان رمان سووشون

در سطح واژگان، به بررسی و تحلیل تعابیر زنانه در فارسی (صفات و دشنام، نفرین، دعا، قسم، تکیه کلامها)، واژه های متعلق به حوزه زنان (دل مشغولی زنان در حوزه آشپزی، خانه داری، لباس های زنانه...)، کاربرد رنگ واژها و تعدد شخصیت های زن در متن رمان های مطرح در

تیمین و بررسی زنان نویسی در مان سووشون سیمین دانشور... ۴۵

پژوهش پرداخته می‌شود و نمونه‌هایی از یافته‌های پژوهش در مان مذکور آورده می‌شود. بنابراین نتایج حاصل از سطح واژگان مان «سووشون» در این پژوهش به شرح زیر است.

### ۵-۳-۱- تعابیر زنانه در فارسی (صفات و دشنام، نفرین، دعا، قسم، تکیه کلام‌ها)

در متون ادبیات «تهیه‌ی فهرستی از واژه‌های فارسی که فقط زنان به کار ببرند دشوار است، اما در زبان فارسی، واژه‌ها، تعابیر و مصطلحاتی هستند که در سخن زنان بیش‌ترند. زنان برای نام‌گذاری دقیق و تفکیک پدیده‌های جزئی از واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند، به همین جهت، گستره‌ی واژگانی آنها از مردان بیشتر است و طیف واژه‌های متنوعی برای توصیف احساسات و زیبایی‌ها به کار می‌برند.» (فتوحی، ۱۳۹۰؛ ۴۰۵-۴۰۴) پس می‌توان گفت زنان و مردان از تعابیر متفاوتی در گفتار و نوشتار خود استفاده می‌کنند که سبک آنها را متمایز می‌کند. نمونه‌هایی از این تعابیر در زبان فارسی را که خاص گفتار زنان و مردان است، طبق کتاب سبک‌شناسی فتوحی عبارتند از: صفات و دشنام، نفرین، دعا، قسم، تکیه کلام‌ها. ( نک: فتوحی، ۱۳۹۰؛ ۴۰۶-۴۰۵) بنابراین در سطح واژگان مان مذکور تعابیر صفات، دشنام، نفرین، دعا، قسم و تکیه کلام‌های متعددی توسط شخصیت‌های داستان استفاده شده بود که کاربرد آنها در گفتار شخصیت‌های زنان با گفتار شخصیت‌های مردان داستان متفاوت بود، همچنین زنان بیشتر از مردان، تعابیر نفرین و دعا در دیالوگ‌هایشان به کار می‌بردند و مردان نیز از قسم بیشتر نسبت به زنان استفاده می‌کردند. در زیر نمونه‌هایی آورده می‌شود:

یوسف تا چشمش به نان افتاد گفت: «گوساله‌ها، چطور دست میرغضبشان را می‌بوسند!

(ص ۵) دشنام

و گفت: «ترا خدا یک امشب بگذار ته دلم از حرفهای نلرزد.» (ص ۵) قسم

به خدای احد و واحد خودت از این صورتکها که می‌سازی هزار بار قشنگتری. (ص ۱۹) قسم

«ماشاءالله جن را دیوانه می‌کنند.» (ص ۲۱) تکیه کلام

طبق کش گفت: «خدا عمرت بدهد. پول نمی‌خواهم. نان خانگی بده.» (ص ۳۱) دعا

گفت: «خدا دیوانشان را بر باد بدهد.» (ص ۵۸) نفرین

بهش گفتم دختره بی‌حیا از جان من چه می‌خواهی؟ (ص ۹۳) دشنام

و مشتش را گره کرد و در صورت برادر تکان داد و گفت: «ای دزد ناموس» (ص ۲۱۵) دشنام

و بعد رو به جمع فریاد کشید: «گفتم گورتان را گم کنید!» (ص ۲۹۹) دشنام

### ۵-۳-۲- واژه‌های متعلق به حوزه زنان (دل مشغولی زنان در حوزه آشپزی و ...)

در این سطح، واژه‌هایی که متعلق به حوزه زنان است، بیشتر دل مشغولی و دغدغه‌ی شخصیت‌های زنان داستان با توجه به موضوع، درون‌مایه و صحنه‌های داستان در موضوع‌هایی از قبیل: خانه‌داری، بچه‌داری، مهمان‌داری، آشپزی، خیاطی، منجوق‌دوزی، لباس‌های زنانه، توجه به تزئینات و اثاثیه‌ی خانه، زیورآلات، لوازم آرایش، دوران حاملگی و زایمان را که مختص محیط داخلی خانه بود، بیان می‌کرد و مواردی که به دغدغه‌های شخصیت زن اصلی داستان؛ یعنی زری در محیط خارج از خانه اشاره داشت، مانند دیدار از زندانیان زن و تیمارستان برای ادای نذرش بود. شایان ذکر است که شخصیت زن اصلی داستان، چون در خانه یا همان خانه باغشان، کلفت و نوکر داشت، شخصاً آشپزی و خانه‌داری نمی‌کرد، اما بر کارها و امور خانه نظارت داشت و در بعضی مواقع مهمان‌داری، بچه‌داری و منجوق‌دوزی می‌کرد. در زیر نمونه‌هایی آورده می‌شود:

با زعفران و سیاهدانه نقطه‌گذاری کرده بودند و دورتادور نان نوشته شده بود: «مبارک باد»

(ص ۵) تزئین سفره عقد

جوراب ساقه کوتاه پا داشت و دامنش تا بالای زانو می‌رسید. (ص ۷) لباس

زری دست کرد و گوشواره‌ها را در آورد. (ص ۸) زیورآلات

عروس به اطاق عقدکنان آمد و عزت الدوله زیر بغلش را گرفته بود. بله، هر حاکمی که به

شهر می‌آمد او فوری مشیر و مشار خانواده‌اش می‌شد. پنج تا دختر کوچولو با لباسهای پف پفی

شبییه فرشته‌ها که هر کدام یک دسته گل دستشان بود و پنج تا پسر کوچولو با کت و شلوار و

کراوات دنبال عروس می‌آمدند، اطاق پر بود. خانمها دست زدند. افسرهای خارجی هنوز در

اطاق بودند آنها هم دست زدند. همه تشریفات برای آنها بود. اما برای زری مثل دسته تعزیه ...

مبارک باد می‌زدند. عروس روی زین اسب جلو آینه نشست و عزت الدوله روی سرش قند

سایید. زنی با سوزن و نخ قرمز زبان یاران داماد را دوخت و افسرهای خارجی کرکر خندیدند.

دود سیاهی با یک منقل آتش که دود اسفند از آن بلند بود عین جن بوداده به اطاق آمد.

(ص ۸) لباس، مراسم عقدکنان، تزئینات، ظروف

تیمین و بررسی زنانه نویسی در زمان سوشون یسین دانشور... ۴۷

دنباله بلند لباس عروس مثل ستاره دنباله دار روی قالی کشیده می شد و سنگها و منجوقها و مرواریدهای لباسش در نور چراغ می درخشید. (ص ۱۱) لباس، زیورآلات زری که داشت چای تازه دم می کرد جواب داد: (ص ۲۲) خانه داری سفره را که برچیدند زری برای شوهرش قلیان آورد. (ص ۲۸) خانه داری زری دوقلوها را خوابانید و به تالار برگشت که قلیان را بردارد. (ص ۲۸) بچه داری، خانه داری زری دست کشید به صورتش و پودرها را یکنواخت کرد و به ایوان آمد. (ص ۳۱) آرایش وسط دو ابرویش را خال قرمز گذاشته بود. (ص ۳۸) آرایش ساری زرد رنگی که حاشیه زر دوزی داشت تن کرده بود. (ص ۳۹) لباس اما وقتی دستهایش را تکان می داد النگوهایش جلنگ جلنگ صدا می کرد. (ص ۳۹) زیورآلات

خدیجه قلیان آورد و جلو یوسف گذاشت و (ص ۴۷) خانه داری خدیجه به ایوان آمد و چراغ ایوان را روشن کرد. بعد به باغ به سراغ رختخوابها آمد. رختخواب دوقلوها را روی تخته‌های چوبی، آن طرف دیگر حوض پهن کرد و پشه‌بندهایشان را زد. به تخت خسرو که رسید چادر شب را کنار زد و تشک را انداخت و پرسید: (ص ۱۱۳) خانه داری، وسایل خانه

زری با وجودی که از کنایه عمه خوشش نیامد، کنار او زانو زد و سوزن و نخ را گرفت و برایش نخ را بسوزن کشید، (ص ۱۴۰) خیاطی

این بار در یک قدح چینی گل مرغی برایشان افشیره لیموترش آورد. یک قاشق چینی گل مرغی هم با همان نقش قدح، در قدح بود. قدح را به احتیاط جلو عزت الدوله گذاشت. دده سیاه پیر لیوانهای بلور تراش دار را که در یک سینی نقره گذارده بود آورد و کنار قدح افشیره جا داد. عزت الدوله با ظرافت افشیره در لیوانها ریخت و (ص ۱۵۷) مهمان داری، وسایل خانه نشست به منجوق بند کردن. (ص ۲۴۱) منجوق دوزی

قوطی منجوقها که در دامنش بود روی زمین افتاد و باز شد و مهره‌ها روی قالیچه ولو شد.

(ص ۲۴۱) لباس، وسایل خانه، منجوق دوزی

فردوس همانطور که سرش به شکافتن و دوختن بود ادامه داد: (ص ۲۸۱) خیاطی

### ۵-۳-۳- کاربرد رنگ واژه‌ها

در این سطح، نویسنده از ۳۶ نوع طیف رنگ، در متن استفاده کرده، به طوری که بسامد بالای آنها با ۳۵۷ مرتبه تکرار چشمگیر است. بنابراین رنگ‌های به کار رفته عبارتند از: سیاه ۱۲۹ مرتبه؛ سفید ۶۱ مرتبه؛ قرمز ۲۱ مرتبه؛ زرد ۲۱ مرتبه؛ سبز ۲۰ مرتبه؛ آبی ۱۸ مرتبه؛ سرخ ۱۸ مرتبه؛ طلایی ۷ مرتبه؛ بنفش ۷ مرتبه؛ بور ۶ مرتبه؛ قهوه‌ای ۵ مرتبه؛ ماشی ۵ مرتبه؛ پازهری ۴ مرتبه؛ گلی ۴ مرتبه؛ جوگندمی ۳ مرتبه؛ صورتی ۳ مرتبه؛ سبزه ۲ مرتبه؛ سنبل‌رنگ ۲ مرتبه؛ سورمه‌ای ۲ مرتبه؛ خاکستری ۲ مرتبه؛ طلا ۲ مرتبه؛ عسل ۱ مرتبه؛ خرمایی ۱؛ رنگ خرما ۱؛ گل بهی ۱ مرتبه؛ به رنگ تریاک ۱ مرتبه؛ رنگ خاک ۱ مرتبه؛ رنگ گل ۱ مرتبه؛ بلوطی ۱ مرتبه؛ مشکی ۱ مرتبه؛ سبز زمردی ۱ مرتبه؛ سبز ماشی ۱ مرتبه؛ رنگ بیدمشک ۱ مرتبه؛ نارنجی ۱ مرتبه؛ نقره‌ای ۱ مرتبه؛ فلفل نمکی ۱ مرتبه. قابل ذکر است رنگ سیاه با ۱۲۹ مرتبه تکرار، بیشترین کاربرد را در متن داشت. در زیر نمونه‌هایی آورده می‌شود:

و دندانهایی که روزی روزگاری از سفیدی برق می‌زد و حالا دیگر از دود قلیان سیاه شده بود. (ص ۵)

و داخل کالسکه با متن ساتن صورتی، انباشته از نقل و سکه بود. (ص ۷)  
دختری بود با چشمهایی به رنگ عسل و موهای صاف خرمایی که تا سر شان ریخته بود. (ص ۷)

یوسف هم کنار زری نشست، صورتش قرمز شده بود و سیل‌های بورش می‌لرزید. (ص ۱۲)  
و دستهایش که تا آرنج بنفش است. (ص ۲۶)  
بعد مرد لاغری با ابروی پاچه بزی و سیل جوگندمی و کلاه سیلندر و لباس رسمی و (ص ۳۹)

چادر نماز سورمه‌ای با خالهای آبی انداخته بودند رویش. (ص ۱۰۹)  
اما موهای بلوطی تو هم خیلی قشنگ است و (ص ۱۵۷)  
چشم‌هایت رنگ خرماست. (ص ۱۵۹)  
و حقه‌های زرد مایل به ماشی که با آدم حرف می‌زنند و سر تکان می‌دهند. (ص ۱۶۷)  
سوار در آفتاب سبز زمردی است و حالا که در سایه ایستاده سبز ماشی است. (ص ۲۶۰)

تیسین و بررسی زنان نویسی در مان سو شون یسین دانشور... ۴۹۱۱۱

«آفتاب افتاده بود روی موهایت، موهایت از دور رنگ بیدمشک شده بود.» (ص ۲۶۹)  
مادیان آویخته بودند. یک ملافۀ سفید که جابجا با جوهر گل سنبل رنگ شده بود،  
(ص ۲۹۴)

همیشه پارچه‌های رنگارنگ قرمز و آبی و سبز و نارنجی و گاهی ابریشمها و پشمهای رنگ  
کرده را در برابر آفتاب می‌بست. (ص ۲۹۶)

### ۵-۳-۴- تعدد شخصیت‌های زن

در این رمان، ۳۶ شخصیت زن، نقش دارند. حال با توجه به اینکه، یکی از دو شخصیت اصلی  
رمان نیز زن (زری) است، اکثر زنان داستان نیز شخصیت فرعی دارند و این تعدد زنان در  
داستان، نشان از توجه نویسنده به مسائل، دغدغه‌های زنان و تحول آنها در طی زمان‌های  
متمادی نیز دارد. زنان نام برده در داستان عبارتند از: زری، خانم فاطمه (قدس السلطنه)، مینا،  
مرجان، فصیح الزمان، خانم فخرالشریعه، مادر زری، سودابه هندی، خدیجه (کلفت خانگی  
یوسف و زری)، عزت‌الدوله، فردوس (کلفت عزت‌الدوله)، ننه فردوس، دختران حاکم  
(عروس و گیلان تاج)، ننه کلو، بی بی همدم (مادر ملک رستم و ملک سهراب)، خانم  
مسیحادم، خانم حکیم، مدیر مدرسه زری، مهری (مهرانگیز)، تاجی، خانم فتوحی، سکینه نان  
بند، قابله، دختر آموزگار، زن افلیج، خانم عصمت، دلاک حمامک، دده عزت‌الدوله،  
پرستاران، زن حمیدخان، نیمتاج، زن مسن (بازرس مدرسه زری)، دو زن فاحشه.

### ۵-۴-۵- سطح جملات

در این سطح، جملات ساده توصیفی، کوتاه، خبری، احساسی و جملاتی که به شرح جزئیات  
می‌پردازند، حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع (نشانه‌های فرازبانی)، وجه عاطفی (جمله‌های  
تعجبی، عاطفی و شبه جمله‌های عاطفی و جملات پرسشی به شکل حدیث نفس بررسی و  
تحلیل، و تمام موارد یافت شده از متن رمان، آورده می‌شوند.

### ۵-۴-۱- جملات ساده (توصیفی، کوتاه، خبری، احساسی، جزئی‌نگری)

آن روز، روز عقدکنان دختر حاکم بود. نانوایا با هم شور کرده بودند، و نان سنگکی پخته  
بودند که نظیرش را تا آن وقت هیچکس ندیده بود. (ص ۵) خبری

و یوسف به روی زنش خندید. (ص ۵) خبری

چشم زری افتاد به دختر کوچک حاکم، گیلان تاج، که به او اشاره می‌کرد. از

۵۰ // دو فصلنامه مطالعات تدراری / سال سیم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

شنوندگان عذرخواست و به طرف دختر حاکم رفت. دختری بود با چشمایی به رنگ عسل و موهای صاف خرمایی که تا سر شانه ریخته بود. جوراب ساقه کوتاه پا داشت و دامنش تا بالای زانو می‌رسید. زری اندیشید: (ص ۷) خبری، جزئی‌نگری عین شاگرد مدرسه‌ها درس جواب می‌داد. (ص ۸) توصیفی و ساکت شد. (ص ۱۵) کوتاه، خبری

زنک حتی پیر بود، اما وقتی دستهایش را تکان می‌داد الگوهایش جلنگ جلنگ صدا می‌کرد. صدای آوازش در صدای هلهله و سوت سربازان هندی گم می‌شد. (ص ۳۹) توصیفی و سیل‌های بورش می‌لرزید. (ص ۵۰) توصیفی  
ملک سهراب تقریباً به التماس گفت: (ص ۵۰) خبری  
زری گفت: «خوب عزیزم، خودت می‌گفتی که مردم از ترس قحطی حرص می‌زنند.» (ص ۱۱۲) خبری، احساسی

و رو به زری گفت: «پاشو جانم، بچه‌ها را بیدار کن. می‌خواهم بینمشان، روزنامه‌های این دو هفته را هم بیاور بخوانم.» (ص ۱۹۰) خبری، احساسی  
خانم مسیحادم ناخنش را می‌جوید و به او خیره مانده بود. (ص ۲۱۷) توصیفی  
زری ناچار برگشت و سرش را نزدیک دهان او برد و او پچ پچ کرد: (ص ۲۲۰) خبری  
سروان به طرف زری و خان کاکا آمد و به خان کاکا گفت: (ص ۳۰۰) خبری

#### ۵-۴-۲- حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع (نشانه‌های فرازبانی)

«در این رونمای شب عروسیم ... یادگاری مادر آفاست ...» (ص ۸)  
هی گفتی جدم کلانتر بزرگ تالار آینه را ساخته ... لطفعلی خان روی آینه را نقاشی کرده ... برای هفت پشتم کافی بود و کافی هست ... (ص ۹)  
یال زردش - دمش را بالا گرفته. سرش را هم بالا گرفته. (ص ۲۳)  
عجیب عظیم شد - قسمت عمده صحنه را فرا گرفت و (ص ۳۹)  
زری شروع کرد به قصه‌گویی ... (ص ۱۴۶)  
بلند شد و گفت: «همین چند دقیقه پیش محضردارتان ...» (ص ۲۹۳)

#### ۵-۴-۳- وجه عاطفی (جمله‌های تعجبی، عاطفی و شبه جمله‌های عاطفی)

خان کاکا به خود یوسف رو آورد و گفت: «جانم، عزیزم، تو جوانی و نمی‌فهمی. (ص ۱۶)



تیسین و بررسی زندان نویسی در مان سوئون سیمن دانشور... ۵۱۱۱

می دانست می بوسدشان و می دانست که خواهد گفت: «عروسکهای ملوسم...» (ص ۱۷)

و گفت: «ببین عزیز دلم، من که علم غیب نداشتم که تو می آیی.» (ص ۱۱۲)

عجب صدای نوازشگری داشت. (ص ۲۲۰)

زری چشمهایش را باز کرد. انگار از خواب خوشی بیدار شده. گفت: «عجب قصه‌ای!»

(ص ۲۳۳)

زری گفت: «نه جان دلم فردا صبح زود برو.» (ص ۲۴۷)

### ۵-۴-۵- جملات پرشی به شکل حدیث نفس

زری می اندیشید: «در چه تنوری آن را پخته‌اند؟ چانه‌اش را به چه (ص ۵) بزرگی برداشته‌اند؟

چقدر آرد خالص مصرف کرده‌اند؟ و آن هم به قول یوسف در چه موقعی؟ (ص ۶)

اما باز به قول یوسف تقصیر نانوایان چه بود؟ (ص ۶)

زری ناخن شستش را می جوید. اندیشید: «و حالا از من چه کاری ساخته است؟» (ص ۱۷۰)

اندیشید که کی حالا کنگره‌های هندوانه را خواهد دید؟ ص ۱۹۵

حالا چه وقت دوخت و دوز است؟ چقدر تند تند پا می‌زند. (ص ۲۵۸)

### ۵-۵- سطح گفتمانی

در سطح گفتمانی به مهم‌ترین عناصر داستان مانند: پیرنگ، زوایه دید، شخصیت، روایت و راوی، لحن، درون‌مایه، صحنه، زمان و مکان در متن رمان مطرح، پرداخته شد که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است.

در رمان مذکور عناصر پیرنگ به ترتیب در ساختار داستان نمود داشتند. چنانکه در ابتدا راوی از مراسم عقدکنان دختر حاکم شرحی می‌دهد که دو قهرمان اصلی داستان در آن حضور دارند و دغدغه‌هایشان بیان می‌شوند، گره‌افکنی از آنجا آغاز می‌شود که گوشواره‌های زری، شخصیت زن اصلی توسط دختر کوچک حاکم گرفته می‌شود و این دغدغه زری برای باز پس گرفتن آن، خواننده را نیز درگیر می‌کند، سپس موضوع گرفتن آذوقه توسط حاکم و انگلیسی‌ها از یوسف است که خواننده به دنبال کشف آن هست که آیا یوسف تسلیم می‌شود یا نه بر سر حرف و تعهد خود نسبت به رعیت می‌ماند؟ پس از آن، اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که همان کشمکش‌هایی است که در زندگی این دو قهرمان اتفاق می‌افتد، از جمله گرفتن اسب خسرو، فرزند دو قهرمان توسط حاکم و هول و ولایی که در خواننده برای باز پس‌گیری آن

ایجاد می‌شود. بحران نیز زمانی است که یوسف به ده می‌رود و جنگ و درگیری بین قشون قشقای اتقاق می‌افتد و یوسف سالم باز می‌گردد. بزنگاه داستان، آنجایی است که یوسف در چادرش بدون درگیری کشته می‌شود و خواننده را غافلگیر می‌کند. مرگ قهرمان شوک بزرگی است که به خانواده‌اش و همچنین خواننده درگیر ماجرا، وارد می‌شود. در نهایت، گره‌گشایی زمانی است که زری، قهرمان زن داستان که شخصیتی محتاط، ترسو و در عین حال اجتماعی دارد و در زندگی همیشه می‌خواست محیط خانواده را گرم و امن نگه دارد و همسرش را از مبارزه منع می‌کرد، به یکباره پس از مرگ شوهرش یوسف، متحول می‌شود و به یک زن مبارز، شجاع و ادامه دهنده راه همسر تبدیل می‌شود و پیام اصلی داستان را که همان شجاعت و آزادگی است به خواننده بازگو می‌کند. همچنین زاویه دیدی که نویسنده برای رمان مذکور انتخاب کرده، سوم شخص یا همان دانای کل محدود در زاویه دید بیرونی است، اما در چند مورد نویسنده از جریان سیال ذهن (واگویه‌ها و هذیان‌های زری) هم استفاده کرده است. زاویه‌ی دید سوم شخص بیانگر این است که نویسنده بیشتر می‌تواند در داستان حضور داشته باشد و ذهنیات و درونیات خود را از این راه بیان کند. دانشور نیز در این رمان با انتخاب این نوع زاویه دید، به خوبی توانسته است ذهنیات و نگرش‌های خود را به خواننده القا کند. این رمان، جمعاً حدود ۸۰ شخصیت داشت که نویسنده در طول داستان از ۳۶ شخصیت زن و ۴۴ شخصیت مرد نام برده است. بنابراین، شخصیت‌های این رمان به سه دسته اصلی، فرعی و سیاهی لشکر تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- **شخصیت‌های اصلی:** یوسف، زری.

- **شخصیت‌های زن فرعی:** خانم فاطمه (قدس السلطنه)، مینا، مرجان، فصیح الزمان، مادر زری، سودابه هندی، خدیجه (کلفت خان‌های یوسف و زری)، عزت الدوله، فردوس (کلفت عزت الدوله)، ننه فردوس، دختران حاکم (عروس و گیلان تاج)، بی‌بی همدم (مادر ملک رستم و ملک سهراب)، خانم مسیحادم، خانم حکیم، مدیر مدرسه زری، مهری (مهرانگیز)، خانم فتوحی، دده عزت الدوله.

- **شخصیت‌های مرد فرعی:** ابوالقاسم خان (خان کاکا)، پدر یوسف، پدر زری (میرزا علی اکبر) خسرو، هرمز، مک ماهون، سرجنت زینگر، حاکم شهر شیراز، غلام (نوکر خانه)، سید

تیمین و بررسی زنانه نویسی در رمان سووشون سیمین دانشور... ۵۳

محمد (پیشکار یوسف)، کلو، فتوحی (معلم تاریخ)، حاج محمد رضا رنگرز، مرتضایی، مجید (راننده یوسف)، سروان ارتش، دکتر عبدالله خان، حمیدخان، کل عباس (نوکر عزت‌الدوله)، ملک رستم و ملک سهراب، ژاندارم حاکم، علی (پسری در دارالمجانین).

- **شخصیت‌های زن سیاهی لشکر:** خانم فخرالشریعه، ننه کلو، تاجی، سکینه نان بند، قابله، دختر آموزگار، زن افلیج، خانم عصمت، دلاک حمامک، پرستاران، زن حمیدخان، نیمتاج، زن مسن (بازرس مدرسه زری)، دو زن فاحشه.

- **شخصیت‌های مرد سیاهی لشکر:** چوپان یوسف، ماشالله قری، مدیر روزنامه شهر، وکیل (دوست خان کاکا)، محضردار، پیرمرد عرق گیر و دو پسرش، افسر هندی، شوهر عزت‌الدوله، شوهر خانم فاطمه (پسر میرزا میور)، حسن و حسین آقا علاف، طبق کشها، محمدحسین (برادر سودابه هندی)، مسعود خان کلاتر، مرد مسیحی (در مریضخانه مرسلین)، آقا میرزا (از افراد حاکم)، مدیر داخلی (در دارالمجانین).

- **شخصیت‌های پویا:** یوسف، زری، خانم فاطمه، خان کاکا، خسرو، ملک رستم، ملک سهراب، عزت‌الدوله.

- **شخصیت‌های ایستا:** مینا، مرجان، هرمز، غلام، خدیجه، حمیدخان، فردوس.

**همچنین این رمان یک متن روایی است و راوی آن خود نویسنده است که حوادث و رخدادهایی را که برای خانواده یوسف و زری، قهرمانان داستان، اتفاق افتاده، روایت می‌کند. یوسف شخصیت اصلی مرد داستان است که در کنار او دیگر شخصیت اصلی داستان؛ یعنی زری شکل می‌گیرد و حوادث و اتفاقات پیش آمده در زندگی یوسف، باعث تغییر و تحول زری می‌شود که در سرانجام پس از مرگ یوسف منجر به تصمیم گیری نهایی او در زندگی که همان ادامه دادن راه یوسف می‌شود. در این رمان، نویسنده لحنی صمیمانه و در عین حال مودبانه را برای بیان قصه انتخاب کرده است. او که خود اهل شیراز است سعی کرده از زبان محلی نیز در دیالوگ‌های شخصیت‌ها استفاده کند. شخصیت‌های خانواده‌ی قهرمان داستان، که از اعیان و زمین داران شهر شیراز هستند و همچنین قهرمان که مردی تحصیل کرده در مقطع دکتری در آمریکا است و همسرش نیز تحصیل کرده است، لحنشان محترمانه و گاهی رسمی نیز است، به تبع آنها، خانواده، دوستان و اقوامشان نیز لحنشان محترمانه است. درون‌مایه‌ی رمان،**

کاملاً دیدگاه و اندیشه‌های نویسنده را نمایان می‌کند که در واقع می‌خواهد افکار خود را با صدای شخصیت‌های اصلی رمان (یوسف و زری) با مضمون‌هایی از قبیل حقوق از دست رفته مردم ایران، ظلم حاکمان، سلطه و سیطره نیروهای خارجی در زمان جنگ جهانی دوم در ایران و حقوق زنان بیان کند. در رمان مذکور، صحنه‌های وقوع حوادث و رخدادها در شهر شیراز و روستاهای اطرافش است که ماجراهای داستان در خانه و باغ یوسف، زندان زنان، تیمارستان، خانه عزت‌الدوله، خانه حاکم، روستاهای اطراف اتفاق می‌افتند. انتخاب صحنه‌ها هم کاملاً به نوع زندگی و اندیشه‌های خانواده قهرمان اشاره دارد. زمان رخدادهای این رمان به دوره پهلوی اول برمی‌گردد که تاریخ وقوع آن در زمان جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای متفقین در جنوب ایران به ویژه شیراز است. مکان وقوع داستان هم، شهر شیراز و روستاهای اطرافش است.

#### ۶- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی سارا میلز و نظرهای مطرح در کتاب «سبک‌شناسی» محمود فتوحی در سه سطح واژگان، جملات و گفت‌وگوهای متن رمان بدین شرح است:

نویسنده در سطح واژگان تعبیری زنانه را از قبیل قسم، دعا، نفرین، تکیه کلام و دشنام که کاربرد آنها در گفتار شخصیت‌های زنان با گفتار شخصیت‌های مردان داستان متفاوت بود، به کار برده است، به طوری که زنان بیشتر از مردان، تعبیر نفرین و دعا در دیالوگ‌هایشان به کار می‌بردند و مردان نیز از قسم، بیشتر نسبت به زنان استفاده می‌کردند. همچنین در این سطح، واژه‌هایی که متعلق به حوزه زنان است، بیشتر دل‌مشغولی و دغدغه‌ی شخصیت‌های زنان داستان با توجه به موضوع، درون‌مایه و صحنه‌های داستان در موضوع‌هایی از قبیل: خانه‌داری، بچه‌داری، مهمان‌داری، آشپزی، خیاطی، منجوق‌دوزی، لباس‌های زنانه، توجه به تزئینات و اثاثیه‌ی خانه، زیورآلات، لوازم آرایش، دوران حاملگی و زایمان که در محیط داخلی خانه بود، و مواردی که به دغدغه‌های شخصیت زن اصلی داستان؛ یعنی زری در محیط خارج از خانه اشاره داشت، مانند دیدار از زندانیان زن و تیمارستان برای ادای نذرش است. نویسنده در این سطح، از ۳۶ نوع طیف رنگ، در متن استفاده کرده، به طوری که بسامد بالای آنها با ۳۵۷

مرئبه ئكرار چشملكئر اسئ؛ چئانكه رنگ سياه با 129 مرئبه ئكرار، بئشئرئن كاربرد را در متن داشت. همچئئن در ائن رمان حدود 36 شخصئت زن، نقش دارند؛ حال با ئوءه به ائنكه، بكة از دو شخصئت اصلى رمان نئز زن (زرى) اسئ، اكثر زنان داستان نئز شخصئت فرعى دارند و ائن ئعدد زنان در داستان، نشان از ئوءه نؤسئنده به مسائل، دغدغههاى زنان و ئحول آئها در طئ زمانهاى مئمادئ نئز دارد. در سطح جملائ نئز، نؤسئنده از جملائ ئوصئفئ، كؤئا، خبرئ و احساسئ در وصف و شرح حال شخصئتها، ئوضئح دربارئ اشئاء و مكانها، دادن اطلاعات و اخبار، بئان جزئئاء بكة شئ و وقوع بكة رءداد، با ئئ رفتار و اعمال شخصئتها اسئفاده كرده اسئ. جزئئ نكئرئ نئز كه از مشصائ گفتار و نؤشئار زنان اسئ در متن نمائان بوئ. شائان ذكر اسئ جملائ خبرئ، ئوصئفئ، كؤئا، احساسئ، جزئئ نكئرئ به ئرئب بئشئرئن كاربرد را در روائئ متن داشتئند. همچئئن در ائن سطح، نؤسئنده از نشانئهاى فرازبانئ سه نقطه (...) در آءاز، وسط و پائان جملائ برائ حذف جملهها، و همچئئن نشانئئ خط ئئرئ (-) برائ ئوضئحائ اضافئ اسئفاده كرده اسئ كه نشانئئ سه نقطه با 790 مرئبه ئكرار، بئشئرئن بسامئ، و نشانئئ خط ئئرئ با 42 مرئبه ئكرار، كاربرد در متن داشتهائند. در ائن سطح، جملههاى عاطفئ و ئعجبئ كه اسئفاده شده، بسامئ بالائئ نءاشئ، ولى بئشئر شخصئتها، از كئمائ و عبارائئ مانئند: ... جانم، ... عزئزم، ... قربانئ و ... در دئالوگهائشان با بكةءبكر، اسئفاده كردهائند. قابل ذكر اسئ در ائن سطح، نؤسئنده از 63 جمله پرسشئ به شكل ءءئئ نفس در متن اسئفاده كرده اسئ به طؤرئ كه ائن جملائ از طرف زرى شخصئت اصلى داستان و راؤئ مطرح شدهائند. در سطح گفتمان رمان مذكور نئز عناصر پئرنگ به ئرئب در سااار داستان نموء دارند. زوابه دئد رمان نئز بئرؤئئ اسئ كه داستان از دئد زوابه سوم شخص یا همان دانائ كل (بئرؤئئ) روائئ مئ شوء، اما در چئند موءرئ نؤسئنده از جريان سئال ذهن (واگؤبهها و هذئانهاى زرى) هم اسئفاده كرده اسئ. شخصئتهاى اصلى رمان، بؤسف و زرى هسئئند. رمان بكة متن روائئ اسئ و راؤئ آن خود نؤسئنده اسئ. در ائن رمان، نؤسئنده لءئئ صمئمانئ و در عئن حال موءبانئ را برائ بئان قصئ انءخاب كرده اسئ. درؤنمائئ رمان، كاملاً دئدگاه و انءئشههاى نؤسئنده را با مضمونهاى از قبئل ءقوق از دست رفته مردم ائران، ظلم ءاكمان، سلطئ و سئطره نئروهاى ءارءئ در زمان جنگ جئانئ

دوم در ایران و حقوق زنان بیان می‌کند. صحنه‌های وقوع حوادث و رخدادها در خانه و باغ یوسف، زندان زنان، تیمارستان، خانه عزت‌الدوله، خانه حاکم و روستاهای اطراف اتفاق می‌افتند. زمان رخدادهای داستان نیز به دوره پهلوی اول بر می‌گردد که تاریخ وقوع آن در زمان جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای متفقین در جنوب ایران به ویژه شیراز است. مکان وقوع داستان هم، شهر شیراز و روستاهای اطرافش است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، نویسنده در متن این رمان از الگوی پیشنهادی سارا میلز پیروی و ویژگی‌های زنانه‌نویسی در آن رعایت شده است.

(جدول ۱) کاربرد و بسامد سطح واژگان رمان مطرح در پژوهش

سطح واژگان	کاربرد و بسامد
تعبیر زنانه در فارسی	پر بسامد
واژه‌های متعلق به حوزه زنان	پر بسامد
کاربرد رنگ واژه‌ها	۳۶ طیف رنگ، ۳۵۷ مرتبه تکرار
تعدد شخصیت‌های زن	۳۶ شخصیت زن

(جدول ۲) کاربرد و بسامد سطح جملات رمان مطرح در پژوهش

سطح جملات	کاربرد و بسامد
جملات ساده	خبری، توصیفی، کوتاه، احساسی، جزئی‌نگری.
نشانه‌های فرازبانی	سه نقطه (...). ۷۹۰ مرتبه، خط تیره (-) ۴۲ مرتبه
وجه عاطفی	کم بسامد
حدیث نفس	۶۳ جمله

(جدول ۳) کاربرد و بسامد سطح گفتمانی رمان مطرح در پژوهش

سطح گفتمانی	کاربرد و بسامد
پیرنگ	کاملاً نمود داشت
زاویه دید	سوم شخص، (دانای کل) بیرونی
شخصیت‌ها (تعداد، اصلی)	۳۶ زن؛ ۴۴ مرد اصلی: یوسف، زری
روایت و راوی	متن روایی، راوی نویسنده
لحن	مودبانه و صمیمی
درون‌مایه	حقوق مردم، حقوق زنان، ظلم حاکمان
صحنه	خانه و باغ یوسف، زندان زنان، خانه عزت الدوله، تیمارستان، خانه حاکم، روستاها
زمان و مکان	دوره‌ی پهلوی اول، شیراز و روستاهایش

### کتابشناسی

- بهار. محمد تقی، ۱۳۴۹، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج اول، چ سوم، امیر کبیر، تهران.
- داد، سیمین، ۱۳۷۸، فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه‌نامه‌ی مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه‌ی تطبیقی، مروارید، تهران.
- دانشور. سیمین، ۱۳۴۹، سووشون، چاپ دوم، خوارزمی، تهران.
- دهخدا. علی‌اکبر، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی ۱۳۷۳، لغت‌نامه، ج ۸، دانشگاه تهران، تهران.
- زرین کوب. عبدالحسین، ۱۳۷۱، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، علمی، تهران.
- شمیسا. سیروس، ۱۳۷۳، کلیات سبک‌شناسی، چ دوم، فردوس، تهران.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، انواع ادبی، چاپ هشتم، فردوس، تهران.
- فتوحی رود معجنی. محمود، ۱۳۹۰، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، سخن، تهران.
- عبادیان. محمود، ۱۳۶۸، سبک‌شناسی در ادبیات، جهاد دانشگاهی، تهران.
- عبداللهیان، حمید، شخصیت‌پردازی در داستان، کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۹، ۱۳۷۷.
- غلامرضایی. محمد، ۱۳۸۷، سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، چ سوم، جامی، تهران.
- کوندرا. میلان، ۱۳۶۸، هنر زمان، ترجمه‌ پرویز همایون پور، چ دوم، گفتار، تهران.
- میرصادقی. جمال، ۱۳۷۶، ادبیات داستانی، چ سوم، سخن، تهران.

۵۸ // فصلنامه مطالعات تئودرایی / سال هجدهم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، اشاره، تهران.

میرعابدینی. حسن، ۱۳۹۲، تاریخ ادبیات داستانی ایران، سخن، تهران.

یونسی، ابراهیم، هنر داستان‌نویسی، ۱۳۵۱، تهران، امیرکبیر

یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۸، جویبار لحظه‌ها: جریانهای ادبیات معاصر فارسی، نظم و نثر، جامی، تهران.

Mills. Sara (2005), *Feminist Stylistics*, second edition published in the Taylor& Francis e-library.